

بسم الله الرحمن الرحيم

مقابله اسلام با خشونت عليه زنان

زهرا عسگری

چکیده

خانواده یکی از ارکان مهم و بنیادین جامع است سلامت و اخلاق خانوادگی موجب سلامت جامعه بشری خواهد شد رعایت حقوق یکدیگر در زندگی زناشویی مودت و رحمت و عدم رفتارهای خشونت آمیز علاوه بر تحکیم این بنیان موجب تربیت کودکان سالم در جامعه خواهد شد. در ابتدای مقاله آیاتی از قرآن کریم که در رابطه با زنان است را مورد بررسی قرار دادیم. آیاتی که مبنی بر طلاق دادن، حقوق زنان از جمله؛ مهریه و نفقه می‌شد مورد بررسی قرار گرفت. آیاتی که از عدالت بین همسران سخن می‌گفت آیاتی که به عدم ضرب و شتم زنان را اشاره داشت.

که همگی بر حمایت از حقوق زن تاکید می‌کند. و از ظلم به زنان بر حذر میدارد.

اسلام حد و مرز رابطه زن و مرد را مشخص می‌کند و موجب پیشگیری از تعدی‌ها و ظلم‌ها که ممکن است در حق زنان صورت بگیرد می‌شود.

زمینه تحکیم خانواده و مصون ماندن از آسیب‌های ناشی از پاشیدن یک زندگی را فراهم می‌کند. باید‌ها و نبایدهای زندگی زناشویی را بیان می‌کند و خطی مشی درستی از آن به هر دو میدهد و از هرج و مرج جلو گیری می‌کند

کلید واژه

زن مقابل مرد و به معنای زوجه است^۲

خانواده از نظر لغوی خاندان اهل خانه اهل بیت خانواده از نظر اصطلاحی نهادی است که بر پایه ازدواج زن و مرد شکل می‌گیرد و با تولید مثل توسعه می‌یابد این نهاد، اساس سازندگی شخصیت انسان و مهم‌ترین عامل تکامل جامعه بشر است و از این رو، اسلام، که برنامه‌ی تکامل انسان است برای تأسیس و تحکیم این نهاد سرنوشت‌ساز و پیشگیری از فروپاشی آن، رهنمودهای بسیار مهمی ارائه شده است^۳

^۲ دانشنامه اسلامی

^۳ محمدی ری شهری. تحکیم خانواده از نگاه قرآن دارالحدیث ص ۱۱

«**خشونت**» در لغت دارای معانی متعددی است. خشونت کردن به معنی درشتی، تندی کردن، ضدّ «لینت» و نرمی، خشم، غضب و... که از خفیف ترین مصادیق «خشونت» به معنی رایج امروزی است. «خشونت» در اصطلاح عبارت است از اقدام علیه جسم و جان، شرف، مال و حقوق افراد، به طوری که ایجاد ترس نماید. و اقدام، شامل اقدام فیزیکی؛ مانند ضرب و جرح و قتل و همچنین اقدام معنوی که شامل توهین و تهدید می شود.

«خشونت» در لغت دارای معانی متعددی است. از این رو کتب لغت می گویند: «خشونت» کردن به معنی درشتی، تندی کردن، ضدّ «لینت» و نرمی، خشم، غضب و... که از خفیف ترین مصادیق «خشونت» به معنی رایج امروزی است.^۴

«خشونت» در اصطلاح قرآنی عبارت است از اقدام علیه جسم و جان، شرف، مال و حقوق افراد، به طوری که ایجاد ترس نماید. و اقدام، شامل اقدام فیزیکی؛ مانند ضرب و جرح و قتل و همچنین اقدام معنوی که شامل توهین و تهدید می شود. بعلاوه اقدامات قانونی و غیرقانونی که دارای این خصوصیات است از آن جهت که اقدام علیه افراد بوده و در آنان ایجاد ترس می نماید می توانند از مصادیق لغوی «خشونت» باشند. خشونت علیه زنان پدیده ای است که در آن زن به خاطر جنسیت خود و به علت صرفاً زن بودن مورد اعمال زور و تضييع حق از سوی جنس مخالف قرار می گیرد. به طور کلی هر نوع عمل یا رفتاری که به آسیب جسمی، جنسی و روانی یا محرومیت و عذاب زن منجر شود خشونت علیه زنان گفته می شود. تهدید به چنین اعمال و رفتاری، محرومیت از آزادی به اجبار یا به اختیار، اعم از زندگی شخصی و یا جمعی نیز جزء خشونت علیه زنان می باشد^۵

خشونت را میتوان به خشونت جسمی . خشونت جنسی . خشونت روحی . تقسیم کرد .

مقدمه

^۴ لغت نامه دهخدا ج ۱۱ ص ۵۹۳

^۵ اسلام شناسی و پاسخ به شبهات رضوانی ص ۳۶۱

در ابتدای مقاله این سوال اصلی مطرح است که دیدگاه اسلام در رابطه با موضوع خشونت علیه زنان چیست؟

اینجا سوالی مطرح می‌شود منظور از خشونت چه خشونت ای است. خشونت می‌تواند شاخه های مختلف ای مثل خشونت جسمی که (ضرب و شتم) خشونت جنسی (بی توجهی و طرد زن از لحاظ جنسی و رها کردن او بدون تعیین تکلیف وی) خشونت روحی (بد رفتاری اخلاقی) خشونت مالی (محترم نشمرده حق مالکیت در اموال زن و دادن نفقه و مهریه وی) است.

بله اسلام در هر یک از شاخه های فوق واکنش نشان داده و حقوق زن را محترم می‌شمارد. در آیات متعددی از قرآن صراحتاً از پرداخت حقوق مادی معنوی زن و رعایت اخلاق معاشرت با همسر سخن به میان می‌آورد و تاکید می‌کند اگر زنی نمی‌خواهد او را آزار ندهید. او را طلاق دهید و مهراش را بپزد.

اهمیت مسئله آنجاست که اسلام ظلم علیه هیچکس و هیچ چیز جایز نمیداند.

این مقاله خشونت علیه زنان را به طور کلی بررسی کرده ولی بنده خشونت در بعد جسمی جنسی مالی و روحی را مورد بررسی قرار دادم.

در مقاله خشونت علیه زنان نجمه مقدسی؛

به خشونت علیه زنان اشاره کرده است و اما نوع خشونت را بررسی نکرده است ولی در مقاله بنده خشونت در ابعاد جنسی جسمی روحی و مالی مورد بررسی قرار گرفته است.

در مقاله خشونت نسبت به زنان از منظر تفاسیر قرآنی

رئیس الساداتی در این مقاله محوریت را خشونت جسمی نسبت به زنان قرار داده است. و تفسیر آیات ضرب زنان در قرآن و شرایط آن مورد بررسی قرار گرفته اما در مقاله بنده بعد جنسی و روحی و مالی هم مورد بررسی قرار گرفته است.

اصلانی در مقاله خشونت خانوادگی علیه زنان خشونت خانوادگی فقط در بعد جسمی را مورد بررسی قرار گرفته و منبع آن آمار های مطالعات میدانی است. اما در مقاله بنده منبع قرآن کریم است.

هدف از تحقیق حاضر در این مقاله پاسخ به سوالات و شبهاتی است که درباره زنان مطرح می‌شود مبنی بر اینکه اسلام حق زن را ضایع کرده است و هیچ حقوقی برای او در نظر نگرفته است و او را برای خدمت به مردان آفریده است در این مقاله سعی کردیم به شبهات مبنی بر ظلم و خشونت علیه زنان پاسخ دهیم.

مقابله اسلام با خشونت جسمی علیه زنان

به هر گونه خشونت و که آسیب به جسم و فیزیک فرد وارد میکند خشونت جسمی میگویند .

امیر المومنین (علیه السلام) زنان را امانت الهی دانسته و به مردان سفارش می کند: «مواظب زنان باشید، با آنها بدرفتاری نکرده و گزندی به آنها نرسانید» رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «زنان را ناراحت نکنید» «زن موجب شادی شماسست، پس آن را به خود وانگذارید» «همانا خداوند تبارک و تعالی نسبت به دختران دلسوزتر است تا پسران و مردی نیست که زنی از محارم خود را شاد نماید، مگر آن که خداوند او را روز قیامت شادمان کند»^۸ این روایات مردان را مخاطب قرار داده و آنها را از هر گونه بدرفتاری و آزار نسبت به زنان نهی و رفتارهایی که سبب ناراحتی زنان یا صدمه به آنها می شود را تقبیح می کنند. قرآن کریم در در رابطه با خشونت جسمی نسبت به زنان موضع گیری کرده وبا رعایت حدودی آنها فقط برای زنانی مجاز میداند که ناشده باشند.

حال این سوال مطرح است نشود به چه معنا است؛

معانی متعددی برای نشود آورده اند از جمله؛

بر آورده نکردن خواسته های جنسی مرد .

ترش رویی و بی علاقهگی .

خروج از منزل بدون اجازه .

رعایت نکردن بهداشت^۹.

(مردان دارای ولایت بر زنانند از آن جهت که خدا بعضی از ایشان (مردان) را بر بعضی (زنان) برتری داده (قدرت بدنی، تولیدی واراده بیشتری دارند) و از آن جهت که از اموال خود نفقه می دهند، پس زنان شایسته، فرمان بردارند و نگهدار آنچه خدا (برای آنان) حفظ کرده، (حقوق واسرار شوهر،) در غیاب اویند. و (اما) زنانی که از سرپیچی آنان بیم دارید، پس (نخست) آنان را موعظه کنید و (اگر مؤثر نشد) در خوابگاه از آنان دوری کنید و (اگر پند و قهر اثر نکرد،) آنان را بزنید (و تنبیه بدنی کنید)، پس اگر اطاعت شما را کردند، بهانه ای بر آنان (برای ستم و آزار) مجوید. همانا خداوند بزرگوار و بزرگ مرتبه است).^{۱۰}

^۶ مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۳

^۷ کافی جلد ۵ ص ۵۱۰

^۸ وسایل الشیعه ج ۲۱ ص ۳۶۷

^۹ موسوی الخمینی تحریر الوسیله ص ۱۶۵

^{۱۰} نساء ۲۴

—مقابله اسلام با ایلاء—

در دوران جاهلیت زن هیچ گونه ارزش و مقامی در جامعه عرب نداشت و به همین جهت برای جدایی از او یا تحت فشار قرار دادن زن، طرق زشتی وجود داشت که یکی از آنها "ایلاء" - به معنی سوگند خوردن بر ترک عمل زناشویی - بود به این ترتیب که هر زمان مردی از همسر خود متنفر می‌شد، سوگند یاد می‌کرد که با او همبستر نگردد و با این راه غیر انسانی همسر خود را در تنگنای شدیدی قرار می‌داد، نه او را رسماً طلاق می‌داد تا آزادانه شوهر انتخاب کند، و نه بعد از این سوگند حاضر می‌شد آشتی کرده و با همسر خود زندگی مطلوبی داشته باشد البته خود مردان غالباً تحت فشار قرار نمی‌گرفتند، چون همسران متعددی داشتند. آیات مورد بحث با این سنت غلط مبارزه کرده و طریق گشودن این سوگند را بیان می‌کند، می‌فرماید: "کسانی که از زنان خود ایلاء می‌کنند (سوگند برای ترک آمیزش جنسی می‌خورند) حق دارند چهار ماه انتظار کشند" (لِّلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ).^{۲۹}

کسانی که زنان خود را "ایلاء" می‌نمایند [سوگند یاد می‌کنند که با آنها، آمیزش جنسی ننمایند،] حق دارند چهار ماه انتظار بکشند. (و در ضمن این چهار ماه، وضع خود را با همسر خویش، از نظر ادامه زندگی یا طلاق، روشن سازند.) اگر (در این فرصت،) بازگشت کنند، (چیزی بر آنها نیست، زیرا) خداوند، آمرزنده و مهربان است.

- و اگر تصمیم به جدایی گرفتند، (آن هم با شرایطش مانعی ندارد)، خداوند شنوا و داناست.^{۳۰}

تفسیر: مبارزه با یک رسم زشت جاهلی

این چهار ماه مهلت برای این است که وضع خویش را با همسر خود روشن کنند و زن را از این نابسامانی، نجات دهند.

سپس می‌افزاید: "اگر (در این فرصت) تصمیم به بازگشت گرفتند، خداوند آمرزنده و مهربان است" (فَإِنْ فَأَوْ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ).

آری خداوند گذشته او را در این مساله و همچنین شکستن سوگند را بر او می‌بخشد - هر چند کفاره آن چنان که خواهیم گفت به قوت خود باقی است. "و اگر تصمیم به جدایی گرفتند (آن هم با شرایطش مانعی ندارد) خداوند شنوا و دانا است" (وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ).^{۳۱}

^{۲۹} بقره ۲۲۶

^{۳۰} تفسیر نمونه ج ۲ ص ۲۲۱

^{۳۱} همان ج ۴ ص ۱۳۲

و هر گاه مرد هیچ یک از این دو راه را انتخاب نکند، نه به زندگی سالم زناشویی باز گردد، و نه زن را با طلاق رها سازد، در این جا حاکم شرع دخالت می‌کند و مرد را به زندان می‌اندازد و بر او سخت می‌گیرد که بعد از گذشتن چهار ماه، مجبور شود یکی از دو راه را انتخاب کند و زن را از حال بلاتکلیفی در آورد.

به این ترتیب با اینکه اسلام حکم "ایلاء" (سوگند خوردن بر ترک آمیزش جنسی) را به کلی ابطال نکرده اما آثار سوء آن را از بین برده، زیرا به کسی اجازه نمی‌دهد که از این راه، همسرش را سرگردان سازد، و اگر می‌بینیم مدت چهار ماه به عنوان ضرب الاجل تعیین کرده نه به خاطر این است که می‌توان از این طریق مقداری از حقوق زناشویی را باطل کرد بلکه از این نظر است که آمیزش جنسی به عنوان یک واجب شرعی در هر چهار ماه لازم است (البته این در صورتی است که زن بر اثر طول مدت به گناه نیفتد، لذا در مورد زنان جوان که بیم گرفتاری در گناه باشد لازم است این فاصله کمتر شود).^{۳۲}

در آیات گذشته، سخن از سوگندهای لغو و بی اثر بود و گفتیم هر سخنی که برای کار خلافی باشد، جزء سوگندهای لغو و بیهوده است و شکستن آن هیچ محذوری ندارد و مطابق این حکم باید سوگند بر ترک وظیفه زناشویی مطلقاً اثری نداشته باشد در حالی که در اسلام برای آن كفاره قرار داده شده ۱ (همان كفاره شکستن قسم که در بحث سابق گفته شد) این در حقیقت مجازاتی است برای مردان لجوج که به این شیوه ناجوانمردانه برای ابطال حقوق زن متوسل نشوند و این کار را تکرار نکنند.^{۳۳}

در غرب و سنتهای جاهلی آنها نیز چیزی شبیه ایلاء وجود دارد که آن را جدایی جسمانی می‌نامند.

توضیح اینکه: از آنجا که طلاق در میان مسیحیان نیست، بعد از انقلاب کبیر فرانسه یکی از راههایی که برای جدایی میان زن و مردی که حاضر نبودند با هم زندگی کنند تصویب شد جدایی جسمی بود و آن این بود که زن و مرد موقتاً از هم جدا شده و در خانه‌های جداگانه زندگی می‌کردند (وظیفه انفاق از سوی مرد و تمکین از سوی زن ساقط می‌شد، ولی رابطه ازدواج بر قرار بود) با این حال نه مرد می‌توانست همسر دیگری اختیار کند و نه زن می‌توانست شوهر نماید، مدت این جدایی ممکن بود تا سه سال ادامه پیدا کند، بعد از این مدت ناچار بودند جدایی را رها ساخته و با هم زندگی کنند.^{۳۴}

۲- گر چه دنیای غرب این جدایی را تا سه سال اجازه می‌دهد، ولی اسلام حاضر نشد- بیش از چهار ماه که اگر سوگند هم یاد نکند چنین فاصله‌ای مباح است- این وضع نابسامان ادامه یابد، مرد باید بعد از این مدت وضع خود را روشن سازد، و اگر سرپیچی کند حکومت اسلامی می‌تواند او را تحت فشار شدید قرار دهد تا کار را یکسره کند.

^{۳۲} تفسیر نمونه ج ۴ ص ۱۳۲

^{۳۳} همان

^{۳۴} حقوق زن در اسلام و اروپا ص ۵۱

قابل توجه اینکه در بسیاری از آیات قرآن، اوصافی از خداوند، پایانگر بحثها است، این اوصاف همیشه رابطه مستقیمی با محتوای آیه دارد، و چنان نیست که انتخاب آن بدون رابطه نزدیکی صورت گرفته باشد.

از جمله در آیات مورد بحث هنگامیکه سخن از ایلاء و تصمیم بر شکستن این قسم گناه‌آلود می‌گوید، آیه به جمله "عَفُوٌّ رَحِيمٌ" ختم می‌شود، اشاره به اینکه این حرکت صحیح، سبب می‌شود که گذشته گناه‌آلود مشمول غفران رحمت الهی گردد، و هنگامی که سخن از تصمیم بر طلاق در میان است، روی اوصاف "سَمِيعٌ عَلِيمٌ" تکیه می‌شود، یعنی خداوند سخنان شما را می‌شنود و از انگیزه طلاق و جدایی آگاه است، و شما را بر طبق آن جزا می‌دهد.^{۳۵}

—مقابله اسلام با ظهار

از دیگر ظلم‌های جنسی که در باره زنان در عصر جاهلیت اجرا میشد ظهار بود. که یک نوع خشونت جنسی علیه زنان بود.

خداوند در آیات قرآن به صراحت به مقابله با این کار ناپسند اشاره می‌کند و میفرماید

کسانی که از شما نسبت به زنانشان «ظهار» می‌کنند او می‌گویند: «تو نسبت به من به منزله‌ی مادرم هستی»، آنان هرگز مادرانشان نیستند؛ مادرانشان تنها کسانی‌اند که آن‌ها را به دنیا آورده‌اند. آن‌ها سخنی ناپسند و باطل می‌گویند؛ و به یقین خداوند بخشنده و آمرزنده است.^{۳۶}

امام علی (علیه السلام) - مردی در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که به او اوس بن صامت می‌گفتند، همسری به نام خوله دختر منذر، داشت. روزی به همسرش گفت: «تو نسبت به من همچون پشت مادرم هستی». و فوری از این سخن پشیمان گشت و رو به همسر خود کرده و گفت: «گمان کنم که تو دیگر بر من حلال نمی‌باشی»، زن نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد، و عرض کرد: «شوهرم به من گفته است: «تو مانند پشت مادرم بر من حرامی». و این کلام در زمان بیش از اسلام زن را بر مرد حرام می‌ساخت. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ای زن فکر نمی‌کنم، جز اینکه، تو بر او حرام شده باشی». زن دست به سوی آسمان برد و گفت: «خداوند! این مصیبت جدایی از شوهر را به تو شکایت می‌کنم». پس خداوند عزوجل این آیه را بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نازل فرمود: «ای محمد (صلی الله علیه و آله)! قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَ تَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ، الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُم مِّنْ نِّسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَ زُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ؛ آنگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به آن زن گفت: «به شوهرت اوس بن صامت

^{۳۵} تفسیر نمونه ج ۴ ص ۱۳۴

^{۳۶} مجادله ۲

بگو که بنده‌ای را آزاد کن!» زن گفت: «ای رسول خدا! او بنده‌ای ندارد و جز من کسی خادم او نیست.» پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «پس بگو دو ماه متوالی روز بگیرد». آن زن گفت: «او پیرمردی است که توان روزه ندارد». پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «پس به او بگو که به شصت مسکین صدقه دهد». زن گفت: «او صدقه‌ای ندارد. به خدا قسم در اینجا نیازمندتر از ما نیست». پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «پس به او بگو نزد ام‌منذر برود و مقداری خرما از او بگیرد و با آن به شصت مسکین صدقه بدهد». زن به نزد اوس آمد. اوس پرسید: «چه گذشت؟» زن گفت: «به خیر گذشت، اما بر ذمه‌ی توست که آن گونه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دستور داده به نزد ام‌منذر بروی و مقداری خرما از او بگیری و با آن به شصت مسکین صدقه دهی»^{۳۸}

بنابراین خداوند پس از نهی از ظهار، این مجازات را عقوبت ظهارکنندگان قرار داد.

امام رضا (علیه السلام) - مبدا با زنت ظهار کنی، زیرا خداوند گروهی را به دلیل ظهار، مورد عار و ننگ قرار داده و فرموده است: مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَ زُورًا.^{۳۹}

نتیجه تحقیق

مقابله اسلام با خشونت علیه زنان در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. اهمیت این مسئله آنجاست که در صورت فراگیری ظلم علیه زنان در جامعه صدمات روحی و جسمی ناشی از این خشونت نه تنها نواح بیماری‌های روانی و جسمی برای نیمی از افراد جامعه که زنان هستند را به بار می‌آورد بلکه با سست کردن بنیان خانواده و سرایت این بیماری‌ها و آسیب‌ها به فرزندان، جامعه را از سعادت واقعی بشر دور کرده و موجب سردرگمی و نرسیدن به اهداف عالی بندگی می‌شود. حال این سوال مطرح است که موضع اسلام در رابطه با انواع خشونت علیه زنان چیست و آیا اسلام در برابر خشونت علیه زنان به دفاع پرداخته است یا نه؟ در مقاله فوق انواع خشونت ی روحی جنسی علیه زنان مورد بررسی قرار گرفت.

نتیجه‌ی حاصله این شد، که اسلام در تمام این حیطه‌ها یعنی خشونت جنسی ایلاء و ظهار خشونت مالی عدم پرداخت مهریه و نفقه و خشونت جسمی که همان ضرب و شتم زنان است مقابله کرده و کوچک‌ترین ظلم علیه زنان را محکوم کرده و آن را مصداق ظلمی می‌داند که عاقبت آن دوری از رحمت الهی است در آیات و روایات فراوانی مردان را به رعایت تقوا الهی و دوری از تعدی به قوق زنان سفارش می‌کند

^{۳۷} تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۶ ص ۸ وسائل الشیعه ج ۲۲ ص ۳۰۵

^{۳۸} تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۶ ص ۸ وسائل الشیعه ج ۲۲ ص ۳۰۵

^{۳۹} تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۶ ص ۲۰ مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۱۹۸

فهرست منابع

- قرآن کریم سوره نسا آیه ۳ و ۴ .
- قرآن کریم سوره طلاق آیه ۶
- قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۲۶
- مکارم شیرازی تفسیر نمونه . جلد دوم و سوم ۱۳۷۳
- محسن قرائتی تفسیر نور . جلد ده
- علامه طباطبائی تفسیر المیزان جلد ۱۹
- برازش علیرضا تفسیر اهل بیت علیهم اسلام
- دهخدا علی اکبر لغت نامه دهخدا دانشگاه تهران سال ۱۳۷۷ چاپ دوم ج ۱۱
- رضوانی اسلام شناسی و پاسخ به شبهات چاپ سوم
- محمد بن بابویه قمی من لا یحضر الفقیه ج ۳
- صدر حسن حقوق زن در اسلام و اروپا
- شیخ حر عاملی وسائل الشیعه سال ۱۴۱۴ ه ق ج ۲۲ ص ۳۰۵
- نوری حسین مستدرک الوسائل ج ۱۵ ص ۱۹۸